



## Semantic Mapping of Middle Persian Zoroastrian Modal Verbs based on Typological View

Narjes Banou Sabouri<sup>1</sup>, Shahla Sharifi<sup>2</sup>

1. Corresponding Author, Associate Professor in Linguistics, Payame Noor University, Tehran, Iran. E-mail: n.sabouri@pnu.ac.ir
2. Associate Professor in Linguistics, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. E-mail: sh-sharifi@um.ac.ir

---

### Article Info

#### Article type:

Research Article

#### Article history:

**Received:** 09 February 2022

**Received in revised form:**  
26 April 2022

**Accepted:** 30 April 2022

**Available online:** 12 March  
2023

#### Keywords:

modality,  
modal verbs,  
semantic mapping,  
conceptual space,  
Nauze framework,  
Zoroastrian Middle Persian.

### ABSTRACT

This article examines the Zoroastrian Middle Persian modal verbs in terms of typology. The type of research is qualitative and its method is descriptive-analytical. The framework in this study is adapted from Nauze. The Middle Persian modal verbs are: abāyēd, šāyēd, tuwān, sazēd and kāmistan. The data is collected through the Zoroastrian Middle Persian texts. After collecting data, the type of modal verbs in the data was determined and then the semantic mapping of each verb was specified on the conceptual space. The results showed that Nauze framework is not suitable for covering the meaning of Zoroastrian Middle Persian modal verbs. So, the probability axis was added on the vertical axis of the conceptual space. Also, this research showed that the Middle Persian data contradicts the typology that Nauze had presented.

---

**Cite this article:** Sabouri, N.B., & Sharifi, Sh. (2023). Semantic Mapping of Middle Persian Zoroastrian Modal Verbs based on Typological View. *Research in Western Iranian Languages and Dialects*, 11 (1), 61-81.



© The Author(s).

Publisher: Razi University.

DOI: 10.22126/JLW.2022.7482.1622

---



## نگاشت معنایی فعل‌های وجهی در فارسی میانه زردشتی از دیدگاه رده‌شناسی

نرجس بانو صبوری<sup>۱</sup>، شهلا شریفی<sup>۲</sup>

۱. نویسنده مسئول، دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: n.sabouri@pnu.ac.ir

۲. دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. رایانامه: sh-sharifi@um.ac.ir

### چکیده

### اطلاعات مقاله

پژوهش حاضر به بررسی نگاشت معنایی فعل‌های وجهی فارسی میانه زردشتی از دیدگاه رده‌شناسی می‌پردازد. این پژوهش از نوع کیفی با روش توصیفی-تحلیلی است و براساس چارچوب ترکیبی ناوز (۲۰۰۸) به انجام رسیده است. فعل‌های وجهی فارسی میانه زردشتی عبارت‌اند از: abāyēd «باید، ضروری است»، šāyēd «شایسته است؛ می‌توان»، tuwān «می‌توان»، sazēd «سزاوار است؛ می‌توان» و kāmistan «خواستن». داده‌های پژوهش از متون فارسی میانه زردشتی به صورت دستی گردآوری شده‌اند. پس از گردآوری داده‌ها، نوع وجهیت فعل‌های وجهی در داده‌ها مشخص، سپس نگاشت معنایی هر فعل روی فضای مفهومی معلوم شد. این بررسی نشان داد که این چارچوب برای پوشش معانی فعل‌های وجهی فارسی میانه زردشتی نیازمند اصلاح است؛ از این رو، روی محور عمودی فضای مفهومی، محور احتمال به دو محور امکان و ضرورت افزوده شد. همچنین، مشخص شد که داده‌های فارسی میانه زردشتی اصل رده‌شناختی مطرح‌شده در این چارچوب را نقض می‌کنند؛ بنابراین، یافته‌های حاصل از بررسی فعل‌های وجهی فارسی میانه، اصل یکسان‌گرایی را به چالش می‌کشند.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۲۰ بهمن ۱۴۰۰

تاریخ بازنگری: ۶ اردیبهشت ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۱

دسترسی آنلاین: ۲۱ اسفند ۱۴۰۱

واژه‌های کلیدی:

وجهیت،

فعل‌های وجهی

نگاشت معنایی،

فضای مفهومی

چارچوب ناوز،

فارسی میانه زردشتی.

استناد: صبوری، نرجس بانو؛ شریفی، شهلا (۱۴۰۲). نگاشت معنایی فعل‌های وجهی در فارسی میانه زردشتی از دیدگاه رده‌شناسی.

مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، ۱۱ (۱)، ۶۱-۸۱



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه رازی

DOI: 10.22126/JLW.2022.7482.1622

## ۱- مقدمه

وجهیت<sup>۱</sup> را به‌طور کلی ارزیابی گوینده از گزاره‌ای که بیان می‌شود، تعریف می‌کنند. وجهیت، مقوله‌ای گسترده است که انواع تفسیری گوناگونی را دربرمی‌گیرد و در قالب ساختارهای متفاوتی بازنمایی می‌شود. از این رو، می‌توان آن را از وجوه مختلف بررسی کرد؛ برای مثال، همچون پالمر<sup>۲</sup> (۲۰۰۱) می‌توان انواع نظام‌هایی را که یک زبان برای بازنمایی وجهیت استفاده می‌کند، مطالعه کرد یا می‌توان همانند بای بی، پرکینز و پاگلیوکا<sup>۳</sup> (۱۹۹۴) و ون در آئورا و پلانگین<sup>۴</sup> (۱۹۹۸) در جست‌وجوی روند دستوری شدن عناصر وجهی بود. همچنین، می‌توان در مطالعه‌ای بینابانی تعامل وجهیت با دیگر مقولات همچون زمان، نمود یا نفی را بررسی کرد. از این رو، با توجه به گستردگی این حوزه، دسته‌بندی‌های متفاوتی در خصوص وجوه متفاوت وجهیت ارائه شده است.

از آنجا که بازنمایی وجهیت در زبان‌ها حوزه وسیعی را در نحو و ساخت‌واژه دربرمی‌گیرد، این پژوهش تنها به فعل‌های وجهی<sup>۵</sup> که از عناصر مهم نشان‌دهنده وجهیت هستند، محدود خواهد بود. در پژوهش حاضر، فعل‌های وجهی فارسی میانه زردشتی از منظر رده‌شناسی و در چارچوب ناوز<sup>۶</sup> (۲۰۰۸) بررسی خواهند شد. همچنین، این موضوع مشخص خواهد شد که آیا چنان‌که در اصل «یکسان‌گرایی»<sup>۷</sup> ادعا می‌شود، چارچوب رده‌شناختی ناوز (۲۰۰۸) قابل‌اعمال بر زبان‌های دوره‌های پیشین (در این پژوهش فارسی میانه زردشتی) هست یا خیر؟

پرسش‌های این جستار بدین قرار است:

نگاشت معنایی فعل‌های وجهی فارسی میانه زردشتی روی فضای مفهومی وجهیت ناوز (۲۰۰۸) چگونه است؟

آیا اصل رده‌شناختی‌ای که ناوز (۲۰۰۸) مطرح کرده است، در خصوص فارسی میانه زردشتی صادق است یا خیر؟

1. modality
2. F.R. Palmer
3. J. Bybee, R. Perkins & W. Pagliuca
4. J. Van der Auwera & V.A. Plunguin
5. modal verbs
6. F.D. Nauze

۷. principle of uniformitarianism این اصل بیان می‌دارد که زبان‌هایی که در گذشته رواج داشته‌اند با زبان‌های کنونی و حتی زبان‌هایی که در آینده متولد خواهند شد، ماهیتاً تفاوتی ندارند و آن اصول رده‌شناختی که بر زبان‌های امروز قابل‌اعمال‌اند، بر زبان‌های گذشته نیز قابل‌اعمال هستند.

چنان‌که پیش‌تر گفته شد، فعل‌های وجهی یک نوع از انواع بازنمایی وجهیت در زبان‌های دنیا به‌شمار می‌روند. فعل‌های وجهی در فارسی امروز در آثاری چند بررسی شده‌اند؛ مانند: اخلاقی (۱۳۸۶)؛ عموزاده و رضایی (۱۳۸۹)؛ نقی‌زاده، توانگر و عموزاده (۱۳۹۰)؛ رحیمیان و عموزاده (۱۳۹۲)؛ همایون‌فر (۱۳۹۲)؛ داوری و نغزگوی کهن (۱۳۹۶)؛ متولیان نائینی (۱۳۹۷)؛ عبدی (۱۴۰۰) و طالقانی (۲۰۰۸). مرتبط‌ترین پژوهش با موضوع جستار حاضر، مقاله شریفی و صبوری (زیر چاپ) است که در آن با استفاده از چارچوب ناوژ (۲۰۰۸) معانی چهار فعل وجهی «توانستن»، «بایستن»، «خواستن» و «شدن» در فارسی بررسی شده و در قالب نگاشت معنایی روی فضای مفهومی وجهیت مشخص شده است.

درخصوص فعل‌های وجهی در حوزه زبان‌های ایرانی پیش از اسلام پژوهش‌چندانی انجام نشده است. افزون بر توضیحاتی که در برخی کتاب‌ها (نک: ابوالقاسمی، ۱۳۷۵؛ راستارگویوا<sup>۱</sup>، ۱۳۴۷؛ برونر<sup>۲</sup>، ۱۳۷۳) آمده است، نیبرگ<sup>۳</sup> (۱۹۷۴، ج ۲) ویژگی‌های معنایی و برخی ویژگی‌های نحوی فعل‌های وجهی فارسی میانه را بیان کرده است. جلالیان چالش‌تری (۱۳۹۳) درخصوص چگونگی شکل‌گیری فعل وجهی *tuwān* در فارسی میانه و هم‌او در مقاله‌ای دیگر (۱۳۹۵) به بررسی فعل‌های تابع فعل وجهی در زبان سغدی پرداخته است. جعفری دهقی، منشی‌زاده و تسلی‌بخش (۱۳۹۹) پیدایش فعل وجهی «رسیدن» را در فارسی از منظر دستوری‌شدگی بررسی کرده‌اند. در این پژوهش، با ارائه شواهدی از دوره‌های مختلف زبان فارسی، تحولات درزمانی رخ داده در گذار از فارسی باستان به فارسی میانه و فارسی نو بررسی شده است. همچنین، چنگیزی (۱۴۰۰) برخی مفاهیم وجهی و صورت‌های زبانی را که بر آن‌ها دلالت دارند، با مثال‌هایی از متون فارسی میانه بیان کرده است.

## ۲- وجهیت و فعل وجهی

تعریف دقیق مقوله وجهیت و کارکردهای این مقوله امری دشوار است. با این حال، چنان‌که پیش‌تر گفته شد وجهیت به‌طور کلی عبارت است از ارزیابی گوینده از گزاره‌ای که در جمله بیان می‌شود. در یک دسته‌بندی کلی، وجهیت را می‌توان بر دو نوع دانست که عبارت از وجهیت معرفتی<sup>۴</sup> و وجهیت ریشه‌ای<sup>۵</sup> است. در وجهیت معرفتی، ارزیابی گوینده درخصوص احتمال یا قابلیت پیش‌بینی کنش بیان می‌شود و در وجهیت ریشه‌ای، مفاهیمی همچون اجبار، اجازه و توانایی. این وجهیت مشتمل بر دو نوع

1. V.S. Rastorgueva
2. Ch. Bruner
3. H.S. Nyberg
4. epistemic
5. root

الزامی<sup>۱</sup> و پویا<sup>۲</sup> می‌شود.

پالمر (۱۹۹۷)، وجهیت را یکی از ویژگی‌های معنایی نحوی می‌داند. وی بر آن است که تشخیص وجهیت با معیار معنایی صرف امکان‌پذیر نیست و این نکته وجه تمایز میان وجهیت و مقوله‌هایی همچون زمان تقویمی و شمار است. پالمر سه نوع وجهیت را معرفی می‌کند که عبارت‌اند از: معرفتی، الزامی و پویا. وی دو درجه وجهیت را امکان<sup>۳</sup> و ضرورت<sup>۴</sup> برمی‌شمارد و تمایزی دوشقی در مطالعه وجهیت در نظر می‌گیرد: امکان و ضرورت معرفتی، امکان و ضرورت الزامی و امکان و ضرورت پویا. پالمر وجهیت معرفتی را ساده‌ترین نوع وجهیت می‌داند که از دیدگاه معنی‌شناختی با دو نوع دیگر وجهیت متفاوت است. به عقیده وی، وجهیت الزامی گفتمان‌محور<sup>۵</sup> است و هم شامل گوینده می‌شود و هم مخاطب. با استفاده از این وجهیت، گوینده عملاً اجازه می‌دهد، اجبار می‌کند، قول می‌دهد و تهدید می‌کند. وجهیت پویا با توانایی و خواست فاعل مرتبط است و شامل دو زیرمجموعه خنثی<sup>۶</sup> و فاعل‌محور<sup>۷</sup> می‌شود. کاربرد خنثی، نشان‌دهنده امکان وقوع رویداد است و در جمله‌هایی که فاعل غیرشخصی حضور دارد یا جمله مجهول است، خود را روشن‌تر نشان می‌دهد. نوع دیگر امکان پویا، بیانگر توانایی فاعل در انجام کنش است. امکان پویا برای بیان معنای ضمنی مثلاً برای ارائه پیشنهاد کاربرد دارد. پالمر همچنین در (۲۰۰۱) دسته‌بندی دیگری ارائه می‌دهد. وی در این تقسیم‌بندی بین وجهیت گزاره‌ای<sup>۸</sup> و رویدادی<sup>۹</sup> تفاوت قائل شده و وجهیت گزاره‌ای را به دسته گواه‌نما<sup>۱۰</sup> و معرفتی تقسیم می‌کند و وجهیت رویدادی را بر دو دسته الزامی و پویا می‌داند.

بای‌بی و دیگران (۱۹۹۴: ۱۷۷-۱۸۱) وجهیت را بر چهار نوع تقسیم می‌کنند. این چهار نوع مشتمل بر وجهیت کنشگر محور<sup>۱۱</sup>، گوینده‌محور<sup>۱۲</sup>، معرفتی و پیرو<sup>۱۳</sup> است. در وجهیت کنشگر محور، شرایط درونی و بیرونی کنشگر با توجه به عمل انجام‌شده در گزاره اصلی بیان می‌شود. در این نوع، مفاهیمی

1. deontic
2. dynamic
3. possibility
4. necessity
5. discourse-oriented
6. neutral
7. subject-oriented
8. propositional
9. event
10. evidential
11. agent-oriented
12. speaker-oriented
13. subordinating

همچون اجبار، ضرورت، توانایی و آرزو بیان می‌شود. وجهیت گوینده‌محور، به گوینده اجازه می‌دهد تا شرایطی را بر مخاطب تحمیل کند و مفاهیمی همچون دستور، تقاضا، درخواست و توصیه را شامل می‌شود. وجهیت معرفتی، بیان‌کننده میزان تعهد گوینده به صدق گزاره است و مفاهیمی همچون امکان، احتمال و قطعیت را بیان می‌کند. وجهیت پیرو نیز وجه فعل‌هایی همچون وجه التزامی در جمله‌های مرکب را بیان می‌دارد که در عبارت‌های پیرو کاربرد دارند.

فعل‌های وجهی، یکی از سه نوع نشانه‌دستوری بیانگر وجهیت هستند. دو نوع دیگر عبارت‌اند از: پسوندهای شخصی، واژه‌بست‌ها و حروف تعریف که همه از یک نوع محسوب می‌شوند و نیز تصریف (پالمر، ۲۰۰۱: ۱۹). این فعل‌ها دارای معنای واژگانی نیستند و تنها بیان‌کننده مفهوم دستوری وجهیت هستند. طیب‌زاده (۱۳۹۱: ۷۷)، چند ویژگی برای فعل‌های وجهی زبان فارسی برمی‌شمارد که چنین‌اند: نخست، فعل‌های وجهی با یک بند به کار می‌روند که این بند با هیچ متمم دیگری جابه‌جاپذیر نیست. ویژگی دوم فعل‌های وجهی این است که تنها فعل‌هایی در زبان فارسی هستند که با آن‌ها می‌توان جمله‌های غیرشخصی ساخت و سومین ویژگی فعل‌های وجهی این است که فاقد صیغه امری و نمود مستمر هستند.

### ۳- چارچوب نظری پژوهش

چنان‌که پیش‌تر گفته شد این پژوهش براساس چارچوب ناووز (۲۰۰۸) به انجام رسیده است. این چارچوب در شکل زیر قابل مشاهده است:

جدول (۱). چارچوب رده‌شناختی وجهیت ناووز (۲۰۰۸)

مشارک-درونی	مشارک-بیرونی		معرفتی
	الزامی	هدف-محور	
توانایی	اجازه	امکان	امکان
ایجاب	اجبار	ضرورت	ضرورت

براساس این چارچوب، دو متغیر کلی در دسته‌بندی معانی وجهی دخالت دارند: میزان الزام و نوع مشارک. وجهیت معرفتی از این نظر که نوع مشارک درمورد آن مطرح نیست، با دیگر معانی متفاوت است. در وجهیت معرفتی، فقط درجه الزام که در دو نوع امکان و ضرورت بازنمایی شده، مطرح است. وجهیت الزامی، در این چارچوب از نوع مشارک بیرونی است و خود از دو وجه امکان و ضرورت

قابل بررسی است.

نوع دیگر وجهیت مشارک بیرونی را ناووز با عنوان وجهیت هدف-محور مشخص کرده است. درباره این نوع وجهیت نیز درجه الزام مطرح است و درنهایت، نوع مشارک درونی وجهیت مطرح می‌شود که بار دیگر از دو درجه امکان و ضرورت برخوردار است. چارچوب ناووز از این جهت که دو درجه امکان و ضرورت را می‌پذیرد و بین وجهیت معرفتی و دیگر انواع وجهیت تفاوت قائل می‌شود، مشابه با چارچوب پالمیر (۲۰۰۱) است؛ اما از نظر برخی تعاریف با چارچوب پالمیر تفاوت دارد. برای مثال، ناووز با محدودکردن تعریف وجهیت گزاره‌ای به «نگرش گوینده» به گونه‌ای که پالمیر مطرح کرده، موافق نیست. از نظر او، نگرش مخاطب می‌تواند در این نوع وجهیت مؤثر باشد (ناووز، ۲۰۰۸: ۱۳). همچنین، تفاوت دیگر این است که در چارچوب پالمیر وجهیت هدف-محور معرفی نشده است. ناووز (۲۰۰۸: ۲۵) وجهیت هدف-محور را با مثال‌های زیر مشخص می‌کند:

1) In China, you can order a healthy kidney, the donor only has to be killed.

در چین شما می‌توانید سفارش کلیه سالم بدهید؛ فقط اهداکننده باید کشته شود.

2) If you want to do it well, then you have to give each client at least 20 minutes of your time.

اگر می‌خواهید این کار را به‌خوبی انجام دهید، باید به هر مشتری حداقل ۲۰ دقیقه از وقتتان را اختصاص دهید.

ناووز (همان) بر آن است در این دو جمله فعل وجهی *have to* بیانگر وجهیت هدف-محور است؛ زیرا در نمونه اول برای رسیدن به کلیه و در نمونه دوم برای خوب انجام گرفتن کار، روی دادن بند دوم الزامی است.

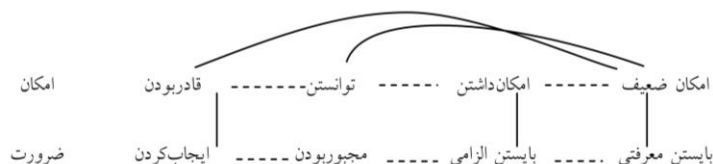
در نظر گرفتن نقش مشارک در چارچوب ناووز (مشارک درونی و مشارک بیرونی) برگرفته از چارچوب ون در آئورا و پلانگین است که کیفیت کنش رویداد توسط کنشگر (گوینده-محوری) را با عنوان مشارک درونی معرفی کرده‌اند و از آنجاکه وجهیت الزامی می‌تواند به کیفیت انجام کنش به فرد دیگری غیر از گوینده اشاره کند، آن را در دسته مشارک بیرونی قرار داده‌اند. نقش مشارک را در دسته بندی هنگولد<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) از وجهیت با عنوان «وجهیت مشارک-محور»<sup>۲</sup> که در تقابل با وجهیت رویداد-محور و وجهیت گزاره-محور ارائه شده، مشاهده می‌کنیم. ون در آئورا و پلانگین، وجهیت گواه‌نما را زیرمجموعه وجهیت معرفتی می‌دانند و این دو را از هم متمایز نمی‌کنند و البته گواه‌نمایی را

1. K. Hengeveld

2. participant-oriented modality

موضوعی برمی‌شمارند که بین مقوله گواه‌نمایی و وجهیت مشترک است یا به عبارتی هم‌پوشی این دو حوزه را سبب شده است. بنابراین، ناوز هم آن را به عنوان مقوله جداگانه‌ای در چارچوب خویش ارائه نمی‌کند.

براساس یافته‌های رده‌شناختی از زبان‌های مختلف، ناوز (۲۰۰۸: ۲۸) فضای مفهومی وجهیت را در زبان‌های دنیا به صورت زیر نشان می‌دهد:



شکل (۱). فضای مفهومی وجهیت ناوز (۲۰۰۸)

در این شکل، گزینه‌های مطرح‌شده، بیانگر معنا برای انواع وجهیت هستند و صرفاً افعال وجهی را بیان نمی‌کنند. خطوط بین گزینه‌ها نشان می‌دهد که بین آن‌ها روی محور افقی یا عمودی ارتباط وجود دارد. طبق یک همگانی رده‌شناختی در خصوص وجهیت، هر عنصر وجهی فقط می‌تواند بیش از یک معنا بر یکی از محورهای فضای مفهومی داشته باشد؛ بدین معنا که عناصر وجهی یا روی محور افقی متفاوت اند که نشان‌دهنده چندمعنایی آن‌ها است یا روی محور عمودی از هم متمایزند که امکان و ضرورت را مطرح می‌کند (ناوز، ۲۰۰۸: ۲۲۲).

ناوز (۲۰۰۸)، این فضای مفهومی وجهیت را با چارچوب خود به شکل زیر ترکیب می‌کند:



شکل (۲). ترکیب فضای مفهومی و چارچوب ناوز (۲۰۰۸)

در این پژوهش برآنیم جایگاه فعل‌های وجهی فارسی میانه زردشتی را براساس شکل بالا تعیین کنیم. براین اساس به این نکته خواهیم پرداخت که آیا این چارچوب قادر است تمام معانی فعل‌های وجهی فارسی میانه زردشتی را پوشش دهد یا خیر.



#### ۴- روش پژوهش

این پژوهش از نوع کیفی و به روش توصیفی-تحلیلی است. فعل‌های وجهی فارسی میانه زردشتی به پیروی از ابوالقاسمی (۱۳۷۵: ۱۷۸) پنج فعل *abāyēd* «باید، ضروری است»، *šāyēd* «شایسته است؛ می‌توان»، *tuwān* «می‌توان»، *sazēd* «سزاوار است؛ می‌توان» و *kāmistan* «خواستن» در نظر گرفته شده‌اند. در این پژوهش، فعل وجهی *grifan* «گرفتن» از آن جهت که دارای نمود آغازی است، لحاظ نشده است. داده‌ها از ده متن فارسی میانه زردشتی انتخاب شده‌اند. این ده متن که موضوع‌های مختلف دینی، اندرزی، فقه، حقوق و تاریخ را دربرمی‌گیرند، مشتمل‌اند بر: دینکرد ۵، وزیدگی‌های زادسپرم، روایت پهلوی، دستنویس م. او. ۲۹، متون پهلوی، دینکرد ۶، مینوی خرد، روایت آذرفرنبغ فرخزادان، دادستان دینی و کارنامه اردشیر بابکان. در این پژوهش تلاش بر آن است تا همه کاربردهای معنایی فعل‌های وجهی فارسی میانه زردشتی در محدوده متون مورد بررسی بیان شوند.

#### ۵- نگاهت معنایی فعل‌های وجهی در فارسی میانه زردشتی

در آثار مربوط به پژوهشگران زبان‌های ایرانی پیش از اسلام، فعل‌های وجهی فارسی میانه زردشتی به دو دسته شخصی و غیرشخصی دسته‌بندی شده‌اند. فعل‌های وجهی شخصی از نظر شخص و شمار منطبق با فاعل صرف می‌شوند و فعل‌های غیرشخصی غالباً با یک صورت ثابت برای همه اشخاص و شماره‌های دستوری به‌کار می‌روند. فعل‌های شخصی دو فعل *grifan* «گرفتن» و *kāmistan* «خواستن» هستند و فعل‌های غیرشخصی چهار فعل *abāyēd* «باید، ضروری است»، *šāyēd* «شایسته است؛ می‌توان»، *tuwān* «می‌توان» و *sazēd* «سزاوار است؛ می‌توان» را شامل می‌شوند (نک: راستارگویوا، ۱۳۴۷: ۱۷۲-۱۷۵؛ ابوالقاسمی، ۱۳۷۵: ۱۷۸). ناتل خانلری (۱۳۸۲، ج ۲: ۳۴۸-۳۴۹)، افزون بر چهار فعل غیرشخصی فوق، فعل *sahistan* «به‌نظر آمدن» را نیز فعل غیرشخصی یا ناقص دانسته و در توضیح فعل‌های غیرشخصی آورده است که همه صیغه‌های شش‌گانه این فعل‌ها به‌کار نمی‌رود یا یکی از موارد آن‌ها چنان است که به شخص معینی نسبت داده نمی‌شود. برونر (۱۳۷۳: ۲۸۷-۲۹۰)، فعل‌های *abāyistan* «بایستن»، *šāyistan* «شایستن»، *towan* «توانستن»، *sazēd* «مناسب است» و *sahistan* «به‌نظر آمدن» را فعل‌های غیرشخصی می‌داند که در زمان حال-آینده و گذشته کاربرد دارند. وی همچنین از فعل‌های *framūdan* «فرمودن»، *tarsīdan* «ترسیدن»، *kāmistan* «خواستن» و *tuwānistan* «توانستن» در شمار فعل‌های شخصی یاد کرده است.

گفتنی است در متون فارسی میانه زردشتی دو سازه «فعل وجهی + مصدر کامل/مصدر مرخم» و «مصدر کامل/مصدر مرخم + فعل وجهی» رمزگذار مفهوم وجهی به‌شمار می‌روند؛ بدین معنی که غالباً مصدر کامل یا مصدر مرخم به منزله متمم فعل وجهی پیش یا پس از فعل وجهی در جمله به‌کار می‌رود. در این بخش، به ذکر نمونه‌هایی از کاربرد فعل‌های وجهی فارسی میانه زردشتی پرداخته و نوع وجهیت آن‌ها را مشخص می‌کنیم؛ سپس نگاشت معنایی آن‌ها را بر فضای مفهومی ناووز (۲۰۰۸) تعیین می‌نماییم. چنان‌که پیش‌تر گفته شد، این فعل‌ها براساس ابوالقاسمی (۱۳۷۵) انتخاب شده‌اند. همچنین از آنجاکه فعل *grifan* «گرفتن» دارای نمود آغازی است، در این بررسی لحاظ نشده است.

### abēyē d «باید»:

#### 3) *ud ān zan wāng kard kū ma tars Ardaxšīr...u-t xwadāyīh*

فرمانروایی ت-و .... اردشیر ترس نه که کرد بانگ زن آن و

*ērān-šahr was sāl abēyē d kardan.*

کردن باید سال بسیار ایران‌شهر

و آن زن بانگ کرد که نترس اردشیر... و تو فرمانروایی ایران‌شهر بسیار سال‌ها باید بکنی (کارنامه اردشیر

بابکان: ۳۲).

#### 4) *ud pad kirbag kardan tušš āg abēyē d būdan ud az wināh be*

به گناه از و بودن باید کوشا کردن کرفه به و

*pahrēxtan čē ka az wināh pahrēzēd be ō dušox nē rasēd.*

رسد نه دوزخ به پرهیزکند گناه از هنگامی که چه پرهیزکردن

و به کرفه کردن کوشا باید بود و از گناه پرهیز کرد، چه، هنگامی که از گناه پرهیز کند به دوزخ نرسد (روایت

پهلوی: ۶۵).

#### 5) *ud ka haft amahraspand andar šnūman ... ud pas abārīg šnūman ī pad*

در - خشنومن دیگر پس و ... خشنومن در امشاسپند هفت زمانی که و

*padisār ēdōn čiyōn nibišť kardan abēyē d.*

باید کردن نوشته همچون ایدون یکی پس‌از دیگری

و زمانی که هفت امشاسپند در خشنومن هستند... سپس دیگر خشنومن‌ها را یکی پس از دیگری همان‌گونه

که نوشته شد، باید برگزار کرد (دادستان دینی: ۱۲۱).

#### 6) *ud amā mardōmān abēr tušš āg abēyē d būd kū xwēš ruwān rāy nēkīh*

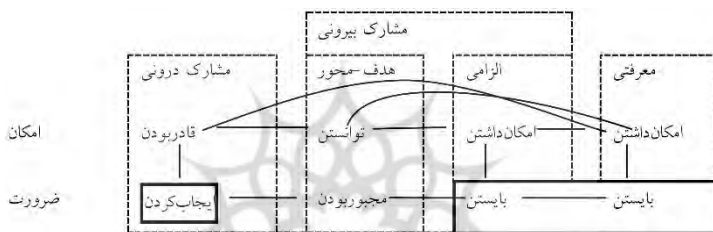
نیکی برای روان خویش که بود باید کوشا بسیار مردمان ما و

*xwāhēm nē anāgīh*

بدی نه خواهیم

و ما مردمان باید کوشا باشیم که برای روان خویش نیکی خواهیم نه بدی (دینکرد ۶: ۷۳).

در جمله (۳) که مصداق وجهیت معرفتی ضروری است، گوینده براساس شواهد ذهنی یا حدس و گمان خود انجام کنشی را پیش‌بینی می‌کند. جمله‌های (۴) و (۵)، مصداق وجهیت الزامی ضروری بوده و گوینده بدون اشاره به کنشگری خاص، با تأکید بر لزوم وقوع کنش، مخاطب را ملزم به انجام کنش می‌نماید. در جمله (۶) که مصداق وجهیت پویای ضروری است، گوینده لزوم انجام کنش را به خود یادآور می‌شود. در این جمله، نیروی بالقوه درونی، لزوم وقوع کنش را از طریق کنشگر فراهم می‌آورد. باتوجه به آنچه گفته شد، نگاشت معنایی فعل وجهی *abāyēd* «باید» روی فضای مفهومی وجهیت ناوز (۲۰۰۸) بدین گونه است:



شکل (۳). نگاشت معنایی *abāyēd*

همان‌طور که از شکل فوق برمی‌آید، فعل وجهی *abāyēd* تنها روی محور ضرورت دارای چندمعنایی است.

«شایسته است؛ می‌توان» *šēyēd*:

7) *ōy kē-š guft kū ēk marg-arzān ahlaw ōh bawēd dō*

دو شود چنین رستگار مرگ‌ارزان یک که گفت ش-کسی او

*marg-arzān nē bawēd ā-š tis čim be guft kū sar ī ān ē bār be*

به بار یک آن - سر که گفت به سبب چیز ش-پس شود نه مرگ‌ارزان

*šēyēd brīd pad gētīg.*

گیتی به برید می‌تواند

آن که گفت که (کننده) یک گناه مرگ‌ارزان رستگار شود، (و کننده) دو گناه مرگ‌ارزان (رستگار) نشود، پس

سبب آن را نیز گفت که سر آن را یک بار به گیتی می‌توان برید (روایت پهلوی: ۸۱).

8) *ud afsōn nēkīh abar ēstēd nān xward gyāg šēyēd wirāst.*

آراست شایسته است جای خورد نان ایستد بر نیکی افسون و

و برای مؤثر واقع شدن افسون (باید) نان خورد، شایسته است جای را آراست (روایت پهلوی: ۱۹۹).

## 9) ud ān-iz ī driyōštar mardōm ka nē dānēd xwardan ud dāštan pad

به داشتن و خوردن داند نه زمانی که مردم درویش‌تر - نیز - آن و

xwāstag drahm-ē šēyēd be marg-arzānīh be **madan**.

آمدن به مرگ‌ارزانی به می‌تواند یک درهم خواسته

و آن مردم درویش‌تر زمانی که ندانند که (چگونه باید) خواسته خود را بخورند و نگاه دارند، با

(داشتن) یک درهم ثروت می‌توانند به (گناه) مرگ‌ارزانی برسند (دینکرد ۶: ۲۰۳).

## 10) harw čiyōn mard kāmēd ō kāmāg šēyēd sxxtan.

ساختن می‌تواند خواست را بخوهد مرد چون هر

هرگونه که مرد بخوهد، خواستش را می‌تواند برآورده کند (دینکرد ۶: ۸۵).

در جمله (۷) که مصداق وجهیت الزامی ممکن است، فعل وجهی šāyēd در معنای «اجازه‌دادن»

به کار رفته است. در این جمله، اجازه انجام کنشی از سوی مقامی بالاتر صادر شده است. در جمله (۸)،

فعل وجهی، مفهوم «شایسته‌بودن» را دربردارد. در این جمله که نشان‌دهنده وجهیت الزامی است،

توصیه‌ای کلی از جانب گوینده ارائه می‌شود. از نظر بُعد امکان و ضرورت، این نوع وجهیت در جایگاهی

بین این دو قرار می‌گیرد؛ بدین مفهوم که نه به اندازه امکان، ضعیف است و نه دارای قطعیت ضرورت

است. بنابراین، می‌توان برای آن درجه احتمال را در نظر گرفت. در جمله (۹)، فعل وجهی بر مفهوم

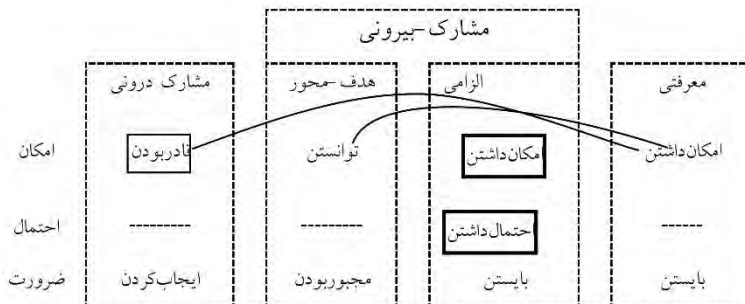
«امکان‌داشتن» دلالت داشته و بیانگر امکان وقوع کنش است. در جمله (۱۰)، فعل وجهی در معنای

«توانایی داشتن» به کار رفته و نشان‌دهنده توانایی فاعل است. جمله‌های (۹) و (۱۰)، مصداق وجهیت

پویای ممکن بوده و امکان وقوع کنش را مطرح می‌سازند. مطالعات فرنگی

نگاشت معنایی فعل وجهی šāyēd «شایسته است؛ می‌توان» روی فضای مفهومی وجهیت ناوز (۲۰۰۸)

بدین گونه است:



شکل (۴). نگاشت معنایی šāyēd

همان گونه که شکل بالا نشان می‌دهد برای فعل وجهی *šāyēd* روی محور عمودی، امکان مرتبه دیگری را با نام احتمال مشخص کرده‌ایم که در فضای مفهومی ناوژ (۲۰۰۸) وجود ندارد. نگاشت معنایی این فعل وجهی بیانگر آن است که این فعل روی محور عمودی دارای دو درجه امکان و احتمال و روی محور افقی دارای دو معنای «قادر بودن» و «امکان داشتن» است.

می‌توان **tuwān**:

11) *ēn-iz paydāg kū weh-dēn-ē ka tis-ē frāz rasēd ud nē dānēd*

داند نه ورسد فراز یک چیز هنگامی که یک-بهدین که پیدا نیز-این

*kū az kardan kirbag ayāb wināh agar tis az ān ī-š tuwān*

توان ش- آن از چیز اگر گناه یا کرفه کردن از که

*spōxtan ka nē kunēd u-š be spxxt tuwān.*

توان عقب‌افکندن به ش- و کند نه هنگامی که عقب‌افکنند

این نیز پیدا است که (اگر) برای بهدین کاری فراز رسد (و) نداند که از کردن، ثواب باشد یا گناه، اگر آن کار

از آن (گونه) باشد که بتواند به عقب‌افکنند، یعنی نکند، (پس) می‌تواند به عقب‌افکند (روایت پهلوی: ۴۷).

12) *zarrēn-gōš ēkānagihā ān (ī) nāfag ī Gayōmard pāsbanih kardan*

کردن پاسبانی کیومرث - ناف - آن به‌تنهایی زرین‌گوش

**tuwān.**

توان

(سگ) زرین‌گوش به‌تنهایی ناف کیومرث را می‌تواند پاسبانی کند (دستنویس م. او. ۲۹: ۲۳۱).

13) *ud yazad... nūn-iz harw ka-š abāyēd bēron kardan hu-garīhā*

به‌آسانی کردن بیرون باید ش- هنگامی که هر نیز-کنون ..... ایزد و

**tuwān.**

توان

و ایزد... اکنون نیز هر زمان که او لازم بداند، می‌تواند به‌آسانی او را بیرون کند (دینکرد ۵: ۸۳).

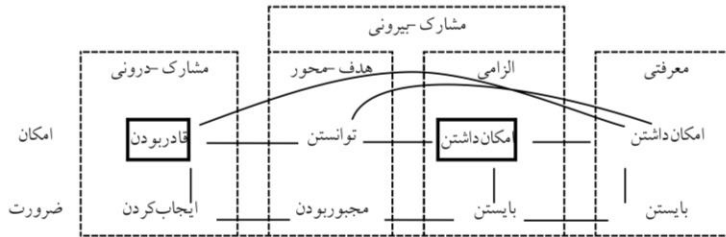
14) *pas ān and dušmen az šahr abzz dšš tan kē tuwān?*

توان چه کسی داشتن باز شهر از دشمن چند آن پس

پس این چند دشمن را از شهر چه کسی می‌تواند بازدارد؟ (متون پهلوی: ۲۱۰).

در جمله (۱۱) فعل وجهی **tuwān** دارای معنای «اجازه داشتن» است. این جمله مصداق وجهیت الزامی ممکن و فعل وجهی آن نشان‌دهنده اجازه‌ای است که به موجب آن تحقق کنش امکان‌پذیر می‌شود. در جمله‌های (۱۲) تا (۱۴) که مصداق پویای ممکن به‌شمار می‌روند، فعل وجهی در معنای «توانایی داشتن» کاربرد دارد که در

جمله (۱۲)، این توانایی به‌طور مشخص بر قدرت جسمانی فاعل دلالت دارد. نگاشت معنایی فعل وجهی *tuwān* «می‌توان» روی فضای مفهومی وجهیت ناوز (۲۰۰۸) چنین است:



شکل (۵). نگاشت معنایی *tuwān*

شکل فوق بیانگر آن است که فعل وجهی *tuwān* در فارسی میانه زردشتی تنها روی محور امکان دارای دو معناست و روی محور ضرورت کارکردی ندارد.

«سزاوار است؛ می‌تواند» *sazēd*:

15) *ud ān ī abāg harw kas sazēd dšš tan āštīh ud dōšāram.*

مهر و آشتی داشتن سزاوار است کس هر با چه آن و

و آنچه با هر کس سزاوار است داشتن، آشتی و مهر است (مینوی خرد: ۱۱۵).

16) *ud čē ān ī abāg harw kas sazēd dšš tan?*

داشتن سزاوار است کس هر با چه آن چه و

و چیست آن که با هر کس سزاوار است داشتن؟ (مینوی خرد: ۱۱۳)

17) *bē abē - gumānih sazēd dānistān kū az mēnōg mad hēm nē pad gētīg*

گیتی در نه آدمم گمانم از که دانستن سزاوار است بی‌گمانی به

*būd hēm.*

بودم

به بی‌گمانی سزاوار است دانستن که از مینو آمده‌ام نه (این‌که) در گیتی بودم (متون پهلوی: ۲۵۲).

18) *frōd āwurišnīh ī sar niyāyīšnīg pad ēr-menišnīh ō ham-dahišnān*

همنوعان به تواضع برای نیایش سر - آوردن فرود

*nē ān paristišn ast ī dādār pad-iš a-nīrmad-ē sazēd būd.*

بود می‌تواند یک-ناسودمند ش-به آفریدگار - است پرستش آن نه

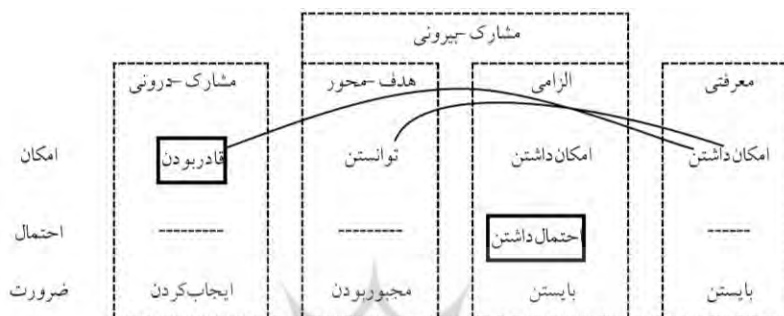
فرودآوردن سر به نشانه تواضع برای نیایش به هموعان نه آن‌گونه پرستشی که از آن آفریدگار است که در

این صورت می‌تواند (امکان دارد) ناسودمند باشد (دینکرد ۵: ۷۳).

در جمله‌های (۱۵) تا (۱۷)، فعل وجهی *sazēd* که حامل معنای «سزاوار بودن» است، نشان‌دهنده

وجهیت الزامی است و از نظر درجه وجهیت، بیانگر درجه احتمال است. در اینجا نیز توصیه‌ای کلی از جانب گوینده ارائه می‌شود. در جمله (۱۸) که مصداق پویای ممکن است، این فعل وجهی به معنای «امکان داشتن» به کار رفته و بر امکان وقوع کنش دلالت دارد.

نگاشت معنایی فعل وجهی *sazēd* «سزاوار است؛ می‌توان»، روی فضای مفهومی وجهیت ناوز (۲۰۰۸) در شکل زیر نشان داده شده است:



شکل (۶). نگاشت معنایی *sazēd*

همچنان که از شکل فوق برمی‌آید برای فعل وجهی *sazēd* روی محور عمودی امکان مرتبه دیگری را با نام «احتمال» مشخص کرده‌ایم که در فضای مفهومی ناوز (۲۰۰۸) وجود ندارد. این فعل در فارسی میانه زردشتی، روی دو محور امکان و احتمال دارای معناست؛ روی محور امکان بیانگر وجهیت پویاست و روی محور احتمال، وجهیت الزامی را نشان می‌دهد. این امر با همگانی رده‌شناختی‌ای که پیش‌تر گفته شد، تناقض دارد. در همگانی رده‌شناختی مذکور چنین آمده بود که زبان‌ها یا روی محور عمودی بین دو مرتبه امکان و ضرورت انتخاب‌های متفاوت دارند یا روی محور افقی که انواع وجهیت را نشان می‌دهد، تنوع معنا دارند. درخصوص این فعل و فعل *šāyēd* که پیش‌تر گفته شد، روی هر دو محور عمودی و افقی شاهد انتخاب‌های متفاوت هستیم.

«خواستن» *kāmistan*:

19) u-šān ēn-iz āōn dāšt kū kōdag-iz anāgīh ud zyān ī Ahreman ud

و اهریمن - زیان و بدی نیز-اندک که داشت این‌گونه نیز-این شان و

*dēwān pad dāmān ī Ohrmazd kāmēnd kardan...*

کردن بخواهند اورمزد - آفریدگان به دیوان

ایشان این را نیز این‌گونه می‌پنداشتند که: حتی اگر اندک بدی و زیانی که اهریمن و دیوان بخواهند به

آفریدگان اورمزد بکنند... (دینکرد ۶: ۸۵).

## 20) Srīt šud ka-š be ōzadan kāmīst gāw mardōm-saxwanīhā awiš

با او به زبان مردم گاو خواست زدن به ش هنگامی که رفت سریت

pahikārd....

مجادله کرد

سریت رفت، چون خواست او را بکشد، گاو به زبان مردم با او مجادله کرد.... (وزیدگی‌های زادسپرم: ۵۳).

## 21) mard-ē xwāstag ī sturīh pad xwēšīh ī xwēš frāz gīrēd .....

گیرد فراز خویش - تملک به ستوری - مال یک-مرد

ud ka kāmēd wizārdan ā-š čiyōn wizārišn?

جبران چگونه ش-پس جبران کردن بخواید هنگامی که و

مردی مال ستوری را به تملک خویش می‌گیرد..... و اگر بخواید جبران کند، پس جبران چگونه است؟ (روایت آذرفرنبغ فرخزادان: ۱۲۰).

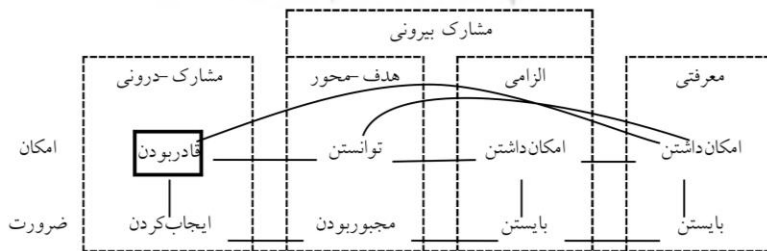
## 22) Akōman .... frāz ō dar mad būd andar kāmīst šud.

رفت خواست اندر بود آمده در به فراز ..... اکومن

اکومن .... نزدیک در آمده بود، خواست داخل رود (وزیدگی‌های زادسپرم: ۱۹۴).

در همه جمله‌های بالا، فعل وجهی kāmīstan در معنای «قصدداشتن، اراده کردن» به کار رفته و نشان‌دهنده وجهیت پویای ممکن است که بر امکان تحقق کنش به واسطه نیروی بالقوه (توانایی) کنشگر دلالت دارد.

نگاشت معنایی فعل وجهی kāmīstan «خواستن» روی فضای مفهومی وجهیت ناوز (۲۰۰۸) به صورت زیر قابل نمایش است:



شکل (۷). نگاشت معنایی kāmīstan

شکل فوق بیانگر آن است که فعل وجهی kāmīstan در فارسی میانه زردشتی تنها روی محور امکان دارای یک معنا بوده است.



## ۶- بحث و نتیجه‌گیری

در این جستار، پنج فعل وجهی فارسی میانه زردشتی از منظر معنایی بر اساس چارچوب ناو (۲۰۰۸) بررسی شدند. برپایه آنچه بررسی و تحلیل شد، این نتیجه به دست آمد: نگاشت معنایی *abāyēd* «باید، ضروری است» در فارسی میانه زردشتی بیانگر آن است که این فعل وجهی در فضای مفهومی تنها روی محور عمودی ضرورت کاربرد داشته است. فعل وجهی *tuwān* «می‌توان»، در فارسی میانه زردشتی در فضای مفهومی روی محور عمودی امکان، دارای تنوع معنایی بوده است. بررسی فعل *šāyēd* «شایسته است؛ می‌توان» در فارسی میانه زردشتی نشان داد که دو مرتبه امکان و ضرورت برای بررسی انواع وجهیت این فعل کافی نیست و به محور دیگری نیاز است که آن را به نام محور «احتمال» به محورهای ناو (۲۰۰۸) اضافه کرده و آن را بین دو محور امکان و ضرورت قرار دادیم. بدین ترتیب، مشخص شد فعل وجهی *šāyēd* در فضای مفهومی روی محورهای امکان و احتمال تنوع معنایی دارد. همچنین، معلوم شد فعل وجهی *sazēd* «سزاوار است» همانند *šāyēd* روی دو محور امکان و احتمال انتخاب معنایی داشته است و نیز فعل وجهی *kāmistan* «خواستن» روی محور عمودی امکان بیانگر وجهیت مشارک-درونی ممکن بوده است.

در مجموع، تنوع معنایی فعل‌های وجهی فارسی میانه زردشتی را به صورت زیر می‌توان نمایش داد:

*abāyēd / šāyēd > tuwān / sazēd > kāmistan*

بدین ترتیب، در فارسی میانه زردشتی *abāyēd* و *šāyēd* بیشترین تنوع معنایی و *kāmistan*

کمترین تنوع معنایی را داشته است.

وضعیت دو فعل وجهی *šāyēd* «شایسته است؛ می‌توان» و *sazēd* «سزاوار است» را می‌توان تنها موارد متناقض با همگانی رده‌شناختی‌ای دانست که مدعی است فعل‌های وجهی در فضای مفهومی یا روی محور عمودی یا محور افقی تنوع معنایی خواهند داشت. چنانچه بپذیریم که برای تحلیل معانی فعل‌های وجهی در فارسی میانه زردشتی نیاز به تغییر چارچوب رده‌شناختی وجهیت داشته‌ایم، بدین معنی است که یا چارچوب ناو ناقص بوده (احتمالاً به این دلیل که مبتنی بر داده‌های تمام زبان‌های دنیا نیست)، یا اینکه زبان‌هایی همانند فارسی میانه زردشتی که در گذشته مورد استفاده بوده‌اند، ویژگی‌هایی متفاوت از زبان‌های امروزی داشته‌اند و در این صورت اگر یکسان‌گرایی را چنین تعبیر کنیم که اصول رده‌شناختی حاکم بر زبان‌های دنیا در تمام دوره‌ها یکسان است، بدان جهت که زبان‌ها ماهیت یکسانی دارند، پس اصل یکسان‌گرایی با توجه به یافته‌های این پژوهش با چالش مواجه خواهد بود.

بدیهی است هریک از فعل‌های وجهی فارسی میانه در گذار به فارسی نو مسیر متفاوتی را پیموده‌اند و فرآیندهایی همچون دستوری‌شدگی، گسترش استعاری و بازنمایی برخی معانی فعل‌ها در بخش‌های دیگر زبانی در تغییرات رخ داده در این مسیر دخیل بوده‌اند. مقایسه‌ای هرچند کوتاه و گذرا بین فعل‌های وجهی فارسی میانه زردشتی و فعل‌های وجهی فارسی امروز نشان از آن دارد که تنوع معنایی *abāyēd* «باید» در فارسی میانه زردشتی روی محور افقی فضای مفهومی از فعل وجهی «بایستن» در فارسی امروز کمتر است. همچنین بررسی *tuwān* «می‌توان» در مقایسه با «می‌توان» در فارسی امروز نشان می‌دهد که تنوع معنایی این فعل در گذر زمان بیشتر شده است؛ چه در فارسی امروز این فعل وجهی تمام معانی تعریف‌شده روی محور افقی را داراست. فعل وجهی *šāyēd* «شایسته است؛ می‌توان» که در فارسی میانه زردشتی فعلی با تنوع نقشی قابل ملاحظه بوده است، در فارسی امروز تبدیل به قید شده و کارکرد فعلی خود را تقریباً از دست داده است.

فعل وجهی *sazēd* «سزاوار است» در فارسی میانه به‌عنوان فعل وجهی کاربرد داشته؛ اما امروزه در شمار فعل‌های وجهی اصلی فارسی نو نیست. همچنین، فعل وجهی *kāmistan* «خواستن» که در فارسی میانه زردشتی از فعل‌های وجهی به‌شمار می‌رفت، در فارسی امروز کاربردی ندارد. این فعل از منظر رده‌شناسی، همان نقش و معنای فعل «خواستن» را در فارسی امروز بر عهده داشته است؛ بدین معنا که هر دو روی محور عمودی امکان بیانگر وجهیت مشارک-درونی ممکن بوده و از این جهت فعل وجهی فارسی میانه با فعل وجهی «خواستن» در فارسی امروز یکسان است. شایان یادآوری است تغییراتی این‌چنین همواره در زبان‌ها جاری هستند. تعیین چگونگی و روند تغییر معنایی هریک از فعل‌های وجهی مشترک در دو دوره و مشخص کردن دلایل این تغییرات نیازمند پژوهش‌های بیشتر است و می‌تواند موضوع مطالعه در مقاله‌های بعدی قرار گیرد.

در پایان این جستار، بیان این نکته ضروری است که آنچه در این مقاله گفته شد، برپایه بررسی ده متن فارسی میانه زردشتی بوده است که نام آن‌ها پیش‌تر ذکر شد و نگارندگان مدعی تعمیم‌پذیری نتایج این پژوهش نیستند.

## منابع

- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۵). *دستور تاریخی زبان فارسی*. تهران: سمت.  
 اخلاقی، فریار (۱۳۸۶). بایستن، شدن و توانستن: سه فعل وجهی در فارسی امروز. *دستور*، (۳)، ۸۲-۱۳۲.  
 بررسی دستنویس م. او. ۲۹ (۱۳۷۸). آوانویسی و ترجمه از متن پهلوی: کتابیون مزداپور. تهران: آگه.

بررسی دینکرد ششم (۱۳۹۴). ترجمه مهشید میرفخرایی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. برونر، کریستوفر (۱۳۷۳). *نحو در ایرانی میانه غربی*. ترجمه رقیه بهزادی. تهران: نشر بُردار. جعفری دهقی، محمود؛ منشی‌زاده، مجتبی؛ تسلی‌بخش، فهیمه (۱۳۹۹). بررسی پیدایش فعل وجهی رسیدن از منظر دستوری‌شدگی. *علم زبان*، ۷ (۱۱)، ۷-۴۴.

جلالیان چالستری، محمدحسن (۱۳۹۳). از توان داشتن تا توانستن؛ بحثی در نحوه ایجاد فعل غیرشخصی «توان» در زبان فارسی میانه. *زبان‌ها و گویش‌های ایرانی*. (۴)، ۷۶-۹۲.

جلالیان چالستری، محمدحسن (۱۳۹۵). فعل تابع افعال وجهی در زبان سغدی. *جستارهای زبانی*. ۷ (۳)، ۵۵-۶۸.

چنگیزی، احسان (۱۴۰۰). وجه‌نمایی در زبان فارسی میانه. *مطالعات ایرانی*. ۲۰ (۳۹)، ۶۵-۸۷. *دادستان دینی* (۱۳۹۷). ترجمه مهشید میرفخرایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. داوری، شادی؛ نغزگوی کهن، مهرداد (۱۳۹۶). *افعال معین در زبان فارسی*. تهران: نشر نویسه پارسی. راستارگویوا، وراسرگیونا (۱۳۴۷). *دستور زبان فارسی میانه*. ترجمه ولی‌الله شادان. تهران: بنیاد فرهنگ ایران. رحیمیان، جلال؛ عموزاده، محمد (۱۳۹۲). افعال وجهی در زبان فارسی و بیان وجهیت. *پژوهش‌های زبانی*، ۴ (۱)، ۲۱-۴۰.

روایت آذرفرنبغ فرخزادان (۱۳۸۴). ترجمه حسن رضائی باغبیدی، تهران: دائره‌المعارف بزرگ اسلامی. شریفی، شهلا؛ صبوری، نرجس‌بانو (زیر چاپ). بررسی معنایی افعال وجهی در زبان فارسی امروز از دیدگاه رده‌شناسی، پژوهش‌های زبان‌شناختی.

طیب‌زاده، امید (۱۳۹۱). *دستور زبان فارسی بر اساس نظریه گروه‌های خودگردان در دستور وابستگی*، تهران: نشر مرکز.

عبدی، ایران (۱۴۰۰). هماهنگی صورت با پسامد در ساختمان افعال معین زبان فارسی، رساله دکتری، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه همدان.

عموزاده، محمد؛ رضایی حدائق (۱۳۸۹). ابعاد معناشناختی باید در زبان فارسی. *پژوهش‌های زبانی*، ۱ (۱)، ۵۷-۷۸.

*کارنامه اردشیر بابکان* (۱۳۵۴). متن پهلوی، آوانویسی، ترجمه فارسی: بهرام فره‌وشی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

کتاب پنجم دینکرد (۱۳۸۶). آوانویسی، ترجمه، تعلیقات و متن پهلوی: ژاله آموزگار و احمد تفضلی. تهران: معین.

متولیان نائینی، رضوان (۱۳۹۷). بازنمایی نحوی افعال خواستن و توانستن. *پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*، ۱

(۱۶)، ۱۰۵-۱۲۳.

متون پهلوی (۱۳۷۱). گردآورنده: جاماسب-آسانا. ترجمه سعید عریان. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

ناتل خانلری، پرویز (۱۳۸۲). *تاریخ زبان فارسی*. جلد ۲. تهران: فرهنگ نشر نو.

نغزگوی کهن، مهرداد؛ نقشبندی زانیار (۱۳۹۵). بررسی افعال وجهی در هورامی. *جستارهای زبانی*، ۷ (۳)، ۲۲۳-۲۴۳.

نقی زاده، محمود؛ توانگر، منوچهر؛ عموزاده، محمد (۱۳۹۰). بررسی مفهوم ذهنیت در افعال وجهی در زبان فارسی. *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، ۳ (۱)، ۱-۲۰.

وزیدگی‌های زادسپرم (۱۳۸۵). ترجمه محمدتقی راشد محصل. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

همایون‌فر، مژگان (۱۳۹۲). بررسی روند دستوری‌شدگی فعل‌های وجهی زبان فارسی براساس پارامترهای لمان. *دستور*، ۹ (۹)، ۵۰-۷۳.

## References

- Abdi, I. (2021). *Form-frequency correspondences in Persian verb construction*. Ph.D. Thesis in General Linguistics, Bouali Sina University (in Persian).
- Abolghasemi, M. (1996). *A historical grammar of Persian language*. Tehran: Samt (in Persian).
- Akhlaqi, F. (2007). *bāyad, šāyad, tuwānistān*; Three modal verbs in contemporary Persian. *Dastoor*, (3), 82-132 (in Persian).
- Amouzadeh, M., & Rezaei, H. (2010). Semantic aspects of "bāyad" (must) in Persian. *Journal of Language Researches*, 1 (1), 57-78 (in Persian).
- Brunner, C. (1994). *A Syntax of Western Middle Iranian*. Translated by Roghayeh Behzadi. Tehran: Bordar (in Persian).
- Bybee, J., Perkins, R., & Pagliuca, W. (1994). *The evolution of grammar, tense, aspect and modality in the Languages of the World*. Chicago: University Chicago Press.
- Changizi, E. (2021). Modal marking in Middle Persian language. *Journal of Iranian Studies*, 20 (39), 65-87 (in Persian).
- Dadēstān ī Dēnīg* (2018). Translated by Mahshid Mirfakhraei. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies (in Persian).
- Dānāk u Mainyo- ī Khard* (1913). Pahlavi, Pazand and Sanskrit texts. E.T.D. Anklesaria, Bombay.
- Davari, S., & Naghzguy Kohan, M. (2017). *Auxiliary verbs in Persian*. Tehran: Neveeseh Parsi Publications (in Persian).
- Dēnkard Book 6* (2015). Translated by Mahshid Mirfakhraei. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies (in Persian).
- Hengeveld, K. (2004). Illocution mood and modality. In G. Booij, C. Lehmann, J. Mugdan,

- & S. Skopeteas(Eds.), *Mophology: An Introductory Handbook on Inflection and Word Formation*, Vol. 2, Walter de Gruyter, Berlin.
- Homayounfar, M. (2013). Analysis of grammaticalization of Persian modal auxiliaries based on Lehman's Criteria. *Dastoor*, (9), 50-73 (in Persian).
- Jafari Dehaghi, M.; Monshizadeh, M., & Tasalibakhsh Kaseb, F. (2021). The study of the emergence of modal functions of the verb Residan (to arrive) in Persian from perspective of grammaticalization. *Elm-e Zaban*, (11), 7-44 (in Persian).
- Jalalian Chaleshtari, M.H. (2014). From having power to being able, a discussion on how to create the impersonal verb 'tawan' in Middle Persian. *Iranian Languages and Dialects*, (4), 76-92 (in Persian).
- Jalalian Chaleshtari, M.H. (2016). The complement verb of modal verbs in Sogdian. *Language Related Research*, 7 (3). 55-68 (in Persian).
- Kār-Nāmag ī Ardashir ī Pābagān* (1977). Pahlavi Text, Transliteration, Persian translation: Bahram Fravashi. Tehran: University of Tehran Press (in Persian).
- Manuscript M.U. 29* (1999). Transliteration and translation of the Pahlavi text. Translated by Katayoun Mazdapour. Tehran: Agah (in Persian).
- Motavallian R. (2018). Syntactic representation of verbs "xastæn, tævanestæn". *Iranian Journal of Comparative Linguistic Research*, 8 (16), 105-123 (in Persian).
- Naghizadeh, M., Tavangar, M., & Amoozadeh, M. (2011). An inquiry into the Concept of subjectivity involving modal verbs in Persian. *Journal of Language Researches*, 3 (1), 1-20 (in Persian).
- Naghzguy Kohan, M., & Naghshbandi, Z. (2016). Modal auxiliaries in Hawrami. *Language Related Research*, 7 (3), 223-243 (in Persian).
- Natel Khanlari, P. (2001). *A history of Persian language*(vol. 2). Tehran: Farhang-e Nashr-e No (in Persian).
- Nauz, F.D. (2008), *Modality in typological perspective*. Print Partners Ipskamp, Enschede.
- Nyberg, H.S. (1974). *A manual of Pahlavi*, (vol. 2). Wiesbaden: Alle Recht Vorbehalten.
- Pahlavi Texts* (1992). Edited by Jamasb Asana, translation, transcript by Saeed Orian. Tehran: National Library of the Islamic Republic of Iran (in Persian).
- Palmer, F. R. (2001). *Mood and modality* (2nd ed.). Cambridge text books in Linguistics: Cambridge University Press.
- Palmer, F.R. (1997). *Modality and the English modals*. New York: Routledge.
- Rahimian, J., & Amouzadeh, M. (2013). Modal verbs in Persian language and Modality. *Journal of Language Researches*, 4 (1), 21-40 (in Persian).
- Rastorgueva V. S. (1968). *A grammar of Middle Persian language*. Translated by Wali-Ullah Shademan. Tehran: Bonyad-e Farhang (in Persian).
- Rivāyat Audfarroboyi Farroxdādān* (2005). Transcript, translation and description: Hassan Rezaei Baghbidi. Tehran: Encyclopaedia Islamica (in Persian).
- Sharifi, Sh., & Sabouri, N. (in print). The semantic study of modal verbs in contemporary Persian based on typological view. *Journal of Researches in Linguistics* (in Persian).
- Tabibzadeh, O. (2012). *Persian grammar, a theory of Prases based on dependency grammar*. Tehran: Nashr-e Markaz Publishing Co (in Persian).
- Taleghani, A.H. (2008). *Modality, aspect and negation in Persian*. Amsterdam: John Benjamins.

- The Fifth Book of Dēnkard* (2007). Transliteration, translation, commentaries and Pahlavi text: Jaleh Amoozgar & Ahmad Tafazli. Tehran: Moein (in Persian).
- The Pahlavi Rivāyat* (1990). Part 1: Transliteration, Transcription and Glossary. A.V. Williams. Copenhagen: Det Kongelige Danske Videnskabernes Selskab.
- Van der Auwera, J., & Plunguin, V.A. (1998). Modality's semantic map. *Linguistic Typology*, 2 (1), 79-124.
- Vizidagāhā ī Zādisparam* (2006). *A reasearch by Mohammad Taqi Rashed Mohassel*. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies (in Persian).





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی